



## بیست و هفت رویداد تا رسیدن یزید به حکومت/ زمینه های نهضت عاشورا

نقطه آغاز حاکمیت یزید و فاجعه عاشورا را در دنیاطلبی، شهوت، قدرت و خودخواهی باید جست وجو کرد.

نقطه آغاز حاکمیت یزید و فاجعه عاشورا را در دنیاطلبی، شهوت، قدرت و خودخواهی باید جست وجو کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، در یادداشت زیر با عنوان بیست و هفت رویداد تا رسیدن یزید به حکومت که به قلم دکتر محمدرضا سنگری نوشته شده است، زمینه های نهضت عاشورا بررسی می شود.

رویداد اول: نقطه آغاز حاکمیت یزید و فاجعه عاشورا را در دنیاطلبی، شهوت، قدرت و خودخواهی باید جست وجو کرد. معاویه می خواست مغیره بن شعبه را از حکومت کوفه عزل و سعید بن عاص را جانشین او کند. مغیره که موقعیت خویش را در خطر دید به نیرنگی عجیب دست زد. نیرنگی که بعدها گفت: هرگز این شکاف برنخواهد شد و این زخم مرهم نمی پذیرد. معاویه را در گودالی رهایی ناپذیر وارد کردم! مغیره - این سیاستمدار کهنه کار و مکار - نخست به دوستان و پیروانش وعده داد که نگران نباشید، حکومت و موقعیت شما را حفظ خواهیم کرد.

آنگاه نزد یزید رفت و گفت: بزرگان و یاران پیامبر درگذشته اند، پیران و سالخوردگان قریش رفته اند و اینک فرزندان آنان مانده اند که تو از همه آنان سیاستمدارتر، داناتر و شایسته تر هستی. چرا پدرت تو را ولیعهد نمی کند؟ چرا برای تو از دیگران بیعت نمی گیرد؟ (به تلویح رساند که پدرت نیز فاصله تا مرگ ندارد).

یزید پرسید: آیا پدرم تن به این کار خواهد داد؟

مغیره گفت: جز تو، چه کسی را شایسته این کار را پیدا خواهد کرد؟

یزید نزد پدر رفت و گفته های مغیره را نقل کرد. معاویه، مغیره را طلبید و از او توضیح خواست.

مغیره گفت: ای معاویه، تو خود می دانی که پس از کشته شدن عثمان، چه خونها ریخته شده و چه اختلافاتی برانگیخته شده است. بهتر است برای یزید بیعت بگیری. او تکیه گاه مطمئنی برای مردم خواهد بود. با او فتنه ها فرو خواهد نشست.

معاویه پرسید: چه کسی می تواند عهده دار بیعت گرفتن شود؟ مغیره گفت: اهل کوفه را به من بسپار و اهل بصره را به زیاد. اگر این دو شهر بیعت کنند هیچ گروهی جرئت و گستاخی مخالفت نخواهند داشت. معاویه گفت: پس تو به کوفه برو و مقدمات کار را فراهم کن!

مغیره به آرزوی خود رسیده و نیرنگ او کارگر افتاده بود. وقتی به دوستانش رسید، گفت: کار خود را کردم، معاویه را در پرتگاه و دره ای افکندم که رهایی از آن برایش ممکن نیست و امت محمد را در تنگنا و دشواری هولناکی که سرانجام ندارد. شکافی آفریدم که ترمیم ناپذیر است.

مغیره پس از این فتنه به کوفه برگشت. آزمندی و دل سپردگی به قدرت کار خود را کرده بود.

در کتاب الفتوح (ج ۲، ص ۳۲۲) عمرو عاص مشوق معاویه برای ولیعهدی یزید معرفی شده است.

رویداد دوم: نامه نگاری معاویه به زیاد بن ابیه و مشورت با وی در زمینه حکومت یزید.

رویداد سوم: مشورت زیاد بن ابیه با عبید بن کعب نمری و فرستادن وی نزد یزید و معاویه، تا یزید را به حفظ ظواهر و دست برداشتن کوتاه مدت از فسق و فجور و معاویه را به حزم و احتیاط دعوت کرد.

رویداد چهارم: آمدن نمایندگان و سفیران مغیره بن شعبه از کوفه و اعلام بیعت و وفاداری با حکومت یزید به سرپرستی عروه بن مغیره. تعداد آنان را از ۱۰ تا ۴۰ نفر و مبلغ دریافتی هر کدام را برای این سفر ۴۰۰ دینار یا سی هزار درهم نوشته اند.

رویداد پنجم: دعوت معاویه به بیعت با فرزندش یزید در سال ۵۶ با ارسال نامه به مغیره بن شعبه در کوفه، مروان بن حکم و سعید بن عاص و عبدالله بن عامر در مدینه و دیگر کارگزاران حکومتی و تأکید بر پنهان داشتن این تصمیم.

رویداد ششم: سفر یزید به مکه و مدینه. برگزاری حج برای فریب افکار عمومی و بخشش فراوان به مردم برای جذب و جلب ساده لوحان و دنیاخواهان.

رویداد هفتم: بیعت خواهی معاویه از عبدالله بن زبیر، احنف بن قیس، محمد بن عمرو حزم و موضع گیری هانی بن عروه در مقابل معاویه.

رویداد هشتم: نامه نگاری اهل کوفه (نامه را جعدة بن هبیره بن ابی وهب از طرف اهل کوفه نگاشت) و امام حسین(ع) را به قیام و جهاد با معاویه دعوت کرد. امام در پاسخ نوشت: تا معاویه زنده است پرهیز کنید. اگر وی بمیرد و من زنده باشم نظرم را برای شما خواهم نوشت. امام نمی خواست عهدنامه برادر را نقض کند.

رویداد نهم: گزارش نامه نگاری اهل کوفه به امام حسین(ع) توسط مروان بن حکم از مدینه به شام. معاویه در پاسخ نامه مروان بن حکم او را از هرگونه تعرض به امام حسین(ع) برحذر داشت.

رویداد دهم: نامه نگاری معاویه به أباعبدالله الحسین(ع) و سرزنش و تهدید معاویه و پاسخ أباعبدالله الحسین(ع) به وی.

رویداد یازدهم: خطبه خوانی مروان بن حکم در مسجد مدینه و اعلام ولایتعهدی یزید و مخالفت عبدالرحمن بن ابی بکر، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر، عمرو بن زبیر، عایشه و أباعبدالله الحسین(ع).

رویداد دوازدهم: نامه نگاری معاویه بن سعد بن عاص حاکم مدینه و دعوت وی به بیعت گرفتن از مردم برای حکومت یزید. سعید برای بیعت اقدام کرد اما تعدادی از بزرگان از جمله بنی هاشم از بیعت سرباز زدند.

رویداد سیزدهم: نامه نگاری سعید به معاویه و گزارش بیعت خواستن از مردم و اجتناب بنی هاشم و عبدالله بن زبیر، معاویه در پاسخ نوشت: با اباعبدالله تندی و بدرفتاری نکن اما مراقب عبدالله بن زبیر باش تا خودم شخصا اقدام کنم.

رویداد چهاردهم: نامه نگاری معاویه بن عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر و عبدالله بن زبیر و دعوت آنها به بیعت و مخالفت آنها.

رویداد پانزدهم: سفر معاویه به مدینه در ماه رجب سال ۵۶ هجری. پس از سفر به منطقه عراق برای بیعت گرفتن و زمینه سازی حکومت یزید. وی با هزار نفر سوار به مدینه وارد شد. برخورد تند وی با امام حسین(ع)، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن بن ابی بکر(احتمالا نادرست باشد چون عبدالرحمن در آن سال زنده نبود) را گزارش داده اند.

رویداد شانزدهم: معاویه پس از برگزاری ج در مدینه خطبه خواند. او در مسجد اعظم بر منبر نشست و پس از حمد الهی، درباره فرزندش یزید سخن گفت و او را شایسته ترین فرد برای خلافت معرفی کرد. معاویه سپس از منبر به منزل پیامبر و دیدار عایشه شتافت. عایشه، معاویه را به سبب تهدید أباعبدالله الحسین(ع) و نیز فرزندان خلفا سرزنش کرد. کشتن برادرش و محمد بن ابی بکر را نیز به یاد معاویه آورد و از او پرسید: چگونه به من اعتماد کردی که کسی را برای کشتن مأمور نکرده باشم؟ معاویه گفت: من در خانه ام المؤمنین امن و امان هستم. عایشه گفت: همین طور است!

رویداد هفدهم: ملاقات معاویه با أباعبدالله الحسین(ع). در این ملاقات چندین نکته را نگاشته اند از جمله آنکه معاویه گفت: ما شیعیان پدرت را کشتیم. آنها را حنوط و کفن کردیم و بر آنها نماز گزاردیم و دفن کردیم. امام فرمود: «به پروردگار کعبه سوگند اگر پیروان تو را بکشیم نه کفن و نه حنوط خواهیم کرد و نه بر آنان نماز می خوانیم و دفن می کنیم.» برخی نیز بیعت با یزید و مخالفت امام را موضوع گفت و گو دانسته اند.

رویداد هجدهم: ملاقات معاویه با عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر. عبدالله بن زبیر گفت: اگر همه بیعت کنند من نیز بیعت خواهیم کرد. عبدالله بن عمر نیز شبیه همین سخن را گفت. ملاقات و گفت و گوی معاویه با عبدالرحمن بن ابی بکر و عبدالله بن عباس را نیز نگاشته اند.

رویداد نوزدهم: معاویه در مکه، جدی تر و صریح تر - به طرح جانشینی یزید پرداخت و با نیرنگ و فریب مردم و صحنه سازیها چنان وانمود کرد که همه بزرگان حتی حسین بن علی، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر با خلافت یزید موافق اند.

رویداد بیستم: بازگشت معاویه از مکه و بیماری شدید در منطقه ابواء. معاویه از همان جا به شام بازگشت.

رویداد بیست و یکم: یک سال قبل از مرگ معاویه (سال ۵۹ هجری)، امام حسین(ع) همراه با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج رفت و در جمع حدود هفتصد نفر از تابعین(دویست نفر از آنها اصحاب پیامبر (ص) بودند)، در منطقه منی سخن گفت و ضمن برشمردن جنایات معاویه و فضائل پدرش امیرالمؤمنین(ع)، مسئولیت آنان را گوشزد کرد. تابعین و صحابه با سوگند، سخنان امام را تأیید کردند.

رویداد بیست و دوم: معاویه اندکی قبل از مرگ خطبه خواند و به مرگ خویش و تلویحا برتری خود نسب به فرزندش یزید اشاره کرد.

رویداد بیست و سوم: چند ساعت قبل از مرگ، معاویه فرمان داد چشمهایش را سرمه و سرش را روغن بزنند. بر نشیمنگاهی تکیه داد و مردم به دیدنش آمدند. هیچ کس حق نشستن نداشت. همه می گفتند او سالم است. دخترانش او را از این پهلوی به آن پهلوی چرخاندند. او دچار تنگی نفس و سل شده بود. آن روز چهارشنبه بود. معاویه در نهایت ضعف به پیشنهاد ضحاک بن قیس (پرده دار و رئیس پلیس حکومت معاویه) با هفتصد نفر از بزرگان شام دیدار کرد و بر خلافت یزید تأکید و وصیت کرد. سپس معاویه به فرزندش یزید فرمان داد که به مسجد برود و خطبه بخواند.

رویداد بیست و چهارم: وصیت معاویه به یزید که همه مردم بیعت کردند جز چند تن که از جمله حسین بن علی است. معاویه شیوه برخورد با اباعبدالله، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر را باز گفت و پس از آن مهمترین نکات در باب مدیریت جامعه را با او در میان گذاشت.

رویداد بیست و پنجم: شامگاه ۱۵ رجب سال ۶۰ هجری معاویه پس از ۷۷ یا ۸۰ سال سن درگذشت. آن روز را پنج شنبه گفته اند. معاویه را ۸۲ ساله نیز نوشته اند. دوران خلافت او را نوزده سال و سه ماه و ۲۴ روز ذکر کرده اند. بالاترین سن را برای معاویه ۸۵ سال نوشته اند.

رویداد بیست و ششم: ضحاک بن قیس بر معاویه نماز خواند و او را دفن کرد. محل دفن او بین باب جاییه و باب الصغیر است.

رویداد بیست و هفتم: خبر مرگ معاویه را ضحاک بن قیس با ارسال نامه به یزید خبر داد. یزید در آن هنگام در خوارین بود.